مجله تحقیقات اقتصادی / شماره ۵۷ / پاییز و زمستان ۷۹ / صفحات ۱۳۲-۹۷
Archive of SID

کاربرد نظریهٔ عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد*

دکترایرج توتونچیان** ـ دکترحسین عیوضلو***

چکیده

در این مقاله ضمن ارائه تصویری اجمالی از معنا، مفهوم و ماهیت عدالت و عدالت اقتصادی، با توجه به تعالیم شریعت اسلام و مجموعه نگرشهایی که دراین زمینه مطرح است، چهار قاعده کلی برای ارزیابی عادلانه بودن اقتصاد استنتاج گردیده است که عبارت اند از:

۱ـ سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرایند تولید

۲ـ حق برخورداری برابر

۳ـ توازن نسبی ثروت و درآمد

۴ـ قرارگرفتن اموال در موضع قوامی آن. در قسمت آخر مقاله بر اساس قواعد و نظریه‌های اساسی نظام (الگوی نظری) اسلامی توزیع ثروت و درآمد، سازگاری آنها با قواعد کلی عدالت اقتصادی اثبات گردیده و جامعیت نظام اسلامی توزیع از لحاظ قابلیت تطبیق با همه جوانب و ابعاد عدالت اقتصادی نشان داده شده است.

---

* این مقاله از رساله دکتری آقای حسین عیوضلو با عنوان **بررسی و تحلیل سازگاری معیارهای «عدالت» و «کارایی» در نظام اقتصادی اسلامی** استخراج گردیده است.

** استاد گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا(س).

*** فارغ التحصیل دوره دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع).

www.SID.ir

Archive of SID

۱ـ طرح مسئله

یکی از ویژگیهای اساسی اقتصاد اسلامی نگرش توزیعی آن است، به این معنا که در اقتصاد اسلامی نه تنها به روابط تولیدی و شیوه‌های تولید ثروت و افزایش آن پرداخته می‌شود بلکه علاوه بر این توجه اصلی به نحوهٔ توزیع ثروت و درآمد است که در مسیر صحیحی جریان یابد. در این نوشتار هدف ما بررسی این فرضیه[۱] است که «الگوی توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد اسلامی الگویی عادلانه است.» برای اثبات این ادعا ابتدا تصویری اجمالی از معنا، مفهوم و ماهیت عدالت اجتماعی و اقتصادی ارائه نموده و آن‌گاه ضمن معرفی کلیات الگوی توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد اسلامی نقش برجسته و محوری عدالت را در هر یک از مراحل تولید و توزیع ثروت و درآمد مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که آیا اقتصاد اسلامی ـ به عنوان مجموعه نظریه‌های تبیین کنندهٔ وضعیت ایده‌آل اقتصادی از دیدگاه اسلامی و نظریه‌های تغییر دهنده وضعیت موجود متغیرها و روابط اقتصادی در جهت مطلوب ـ تا چه حد و بر اساس چه مکانیسمهایی ـ حداقل در حد نظری ـ می‌تواند به ایده‌آل عدالت (اقتصادی) جامهٔ عمل بپوشاند؟

۲ـ تعاریف

با توجه به تعدد نگرشها و تعابیری که در خصوص مفاهیم اساسی و فروض ثابت اقتصاد اسلامی وجود دارد، در مقطع فعلی از تکامل نظریه‌های اقتصاد اسلامی، تعریف مفاهیم اساسی به عنوان عناصر ثابت چارچوب نهادی و هسته سخت (Hard core) این نظریه‌ها ضروری به نظر می‌رسد و لذا به اختصار تعاریف اصلی زیر ارائه می‌گردد.

۱ـ منظور از فرضیه در اینجا رابطه یا گزاره‌ای است که از مبانی و قواعد رفتاری اسلامی قابل استنتاج است و قابل نقد و خدشه و ابطال است. به علاوه چنین رابطه‌ای در صورت صحت به عنوان معیاری برای ارزیابی اسلامی بودن عملکرد نهادهای نظام اقتصادی اسلامی مورد قبول واقع می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

۱ـ۲ـ معنا و مفهوم عدالت

عدالت به عنوان معیاری فرادینی، در لغت به معنای مساوات، برابری، میانه‌روی، توازن، حدوسط، انصاف، استقامت و... استفاده شده است[۱] که هر یک از این معانی به جهت اقتضای خاص عدالت قابل کاربرد بوده و استفاده شده‌اند و به همین جهت بسیاری از نویسندگان، معانی متعددی برای این مفهوم ذکر کرده‌اند.[۲] و همین معانی متعدد موجب ابهام گردیده و در بسیاری از موارد مانع توسعه این مفهوم در مفاهیم عملیاتی و کاربردی گردیده است. مشهورترین تعریف عدالت «اعطاء کل ذی حق حقه» به معنای رعایت حقوق افراد و اعطای حق هر ذی حق به او می‌باشد، اما سؤال اصلی این است که حقوق افراد بر چه مبنایی تعیین می‌گردد و اقتضای آن چیست؟

به طور خلاصه مفهوم عدالت را می‌توان در دو دسته طبقه بندی نمود:

الف ـ برابری، مساوات، انصاف و بیطرفی

برخی از متفکران عدالت را به معنای رفع تبعیض و تفاوتهای ناروا و برابری همگان در برابر قانون و برخورداری یکسان افراد از امتیازها و ناامتیازهادانسته‌اند. اهل لغت نیز عدالت را به معنای برابری و مساوات، تقسیط و تقسیم به طور مساوی و رعایت انصاف دانسته‌اند.[۳]

۱ـ ابراهیم انیس و عبدالحلیم منتصر در مجمع الوسیط ج ۲ ص ۷۳۴ . عدالت را به معنای «انصاف و دادن چیزی به فردی که مستحق آن است و گرفتن چیزی که رد آن برگردنش می‌باشد»؛ راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن ص ص ۳۳۶ و ۴۱۸ عدالت را به معنای برابری و مساوات دانسته است . وی قسط را نیز به معنای «سهم و نصیبی که بر مبنای عدل به کسی داده می‌شود» معنی می‌کند. برای مطالعه بیشتر مستندات ر.ک: حسین عیوضلو، «نظریهٔ عدالت اقتصادی در چارچوب شریعت اسلامی»، ارائه شده در اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ص ص ۳ـ۱.

۲ـ به عنوان مثال، حسین توسلی در کتاب «مبانی نظری عدالت اجتماعی» بعد از ذکر تعاریف مختلف عدالت به صورت اعطای حقوق، مراعات شایستگیها به مساوات، توازن اجتماعی، بی طرفی، آخرین و بهترین تعریف عدالت را «عدالت به منزله وضع بایسته» ذکر می‌کند. بدیهی است اگر هر چیز در موضع شایسته خود قرار گیرد این وضع، وضع بایسته خواهد بود.

۳ـ مرحوم شهید مطهری عدالت را به معنای «رعایت تساوی در زمینهٔ استحقاقهای متساوی» تعریف کرده است. (ر.ک. **عدل الهی**، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۵۲، ص ۶۱.)

www.SID.ir

Archive of SID

ب ـ توازن، تعادل، اعتدال وحد وسط

عدالت را به طورکلی «وضع هر چیز در موضع خود»[۱] دانسته‌اند. موضع اشیا گاه طلب تساوی و برابری می‌کند و گاه نمی‌کند. پس عدل الزاماً به معنی مساوات نیست بلکه مفهومی اعم از تساوی دارد.[۲] در اندیشه‌های نظریه پردازان عدالت نیز تعاریف «عدم تمایل به جانب جوروستم و رعایت میانه‌روی»[۳] «ایجادموازنهٔ در امور، رعایت میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امر»[۴]، «علم به طبیعت وسط»[۵]، «موزون‌سازی و رعایت تناسب بین میزان احتیاجات افراد جامعه و بودجه و نیروی لازم برای بقای آن مجموعه»[۶] ذکر شده است.

با توجه به معانی ومفاهیم یاد شده تعریف «عدالت» را می‌توان چنین نوشت:

«برخورد قانونی یکسان، دادن استحقاقها و قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب و شایستهٔ خود».

۲ـ۲ـ مفهوم عدالت اجتماعی

مسئله عدالت اجتماعی در هر جامعه یافتن راه حل برای این سؤال اساسی است که چگونه می‌توان بین خواسته‌های متعارض هر فرد و الزامات جامعه هماهنگی ایجاد نمود، به نحوی که هیچ‌یک به نفع دیگری حذف نشوند و هر کدام هویت خود را حفظ نمایند.[۷] راه حل این مسئله شؤون لازم الرعایه‌ای است که در مجموعه‌ای از حقوق و وظایف بر اساس هر مکتب خلاصه می‌گردد و از طریق آن روابط هر فرد و جامعه هدایت می‌شود.[۸] مکتب اسلام نیز راه‌حلها و راهکارهای مشخصی را در این زمینه تعیین کرده است که لازم است به طور دقیق در جامعه شناسایی گردیده

۱ـ از امام علی(ع) این جمله معروف نقل شده است که «العدل یضع الامور مواضعها» (عدل امور را در جایگاه واقعی خود قرار می‌دهد) ر.ک **نهج البلاغه**، باب حکم، حکمت ۴۳۷.

۲ـ دکتر جعفر جعفری لنگرودی، **دائرةالمعارف علوم قضائی**، ص ۸۹۰.

۳ـ فخرالدین طریحی، **مجمع البحرین**، ج ۵، ص ۴۲۰.

۴ـ محمد حسین طباطبائی، **تفسیر المیزان**، ج ۲۴، ص ۲۶۳ به بعد.

۵ـ به نقل از **اخلاق و راه سعادت**، ص ۲۱۲.

۶ـ مرتضی مطهری، **همان**، ص ۵۹ به بعد.

7- George Gurvitch, "Encyclopedia of Social Sciences", P. 513 .

8- William E. Murnion, "The Ideology of Sicial Justice for all", p. 848 .

www.SID.ir

Archive of SID

و به اجرا گذاشته شوند. اسلام وظیفه عملی ساختن این معیار را تنها برای دولت قرار نداده است، بلکه تک تک افراد هم به عنوان فرد و هم به عنوان عضوی از جامعه ملزم به رعایت موازین عادلانه و تلاش در جهت استقرار آن هستند.[۱]

از مطالعه و بررسی نظرات معتبر در این باره می‌توان چنین نتیجه گرفت که عدالت اجتماعی به این معناست که در جامعه رفتار یکسانی با تمام کسانی که شایستگی یکسان دارند به عمل آید و شرایط برای همه به طور یکسان فراهم شود و از همه به طور یکسان رفع مانع شود.[۲]

۳ـ۲ـ عدالت اقتصادی و توزیعی

بخش اعظم اقتصاد هنجاری (Normative Economics) را موضوع عدالت اقتصادی (Economic Justice) تشکیل می‌دهد. بر اساس تعابیر جدید، عدالت اقتصادی نه تنها بخش اصلی موضوع عدالت اجتماعی را تشکیل می‌دهد بلکه حتی می‌تواند به عنوان تمام ابعاد عدالت اجتماعی نگریسته شود، چرا که تمایلات، منابع، شرایط و رقابت بین افراد را می‌توان با بیان اقتصادی توضیح داد. نظریه‌های عدالت اقتصادی همگی همبستگی ضروری میان فلسفه اقتصاد را نشان می‌دهند.

یکی از ارکان اساسی عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی است. آنجا که «بیشتر داشتن» برای یکی از موارد قابل تطبیق عدالت (Justiciable) مستلزم «کمتر داشتن» برای دیگری است، مسئله عدالت مسئله عدالت توزیعی است. مهمترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات ومنابع یا در مورد اجناسی است که کمیاب هستند و به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب پیدایش خواسته‌های رقیب می‌گردند.[۳]

۱ـ مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی است اجتماعی که خود فرد مکلفین مأمور به انجام آن هستند.

۲ـ این تعریف در نوشته‌های جان استوارت میل و شهید مطهری دیده می‌شود:

- J.S.Mill, "L'utilitarianism", 1981, Flanmarion, Paris, 1988, p. 122

- مرتضی مطهری، **بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی**، ص ۱۵۷ .

3- Serge Christophe Kolm, "Modern theories of justice", p.31.

www.SID.ir

Archive of SID

۴ـ۲ـ نظام (سیستم) اقتصادی

آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی[۱] در ذیل واژهٔ سیستم (System) یا نظام، آن را از ریشهٔ لاتین و به معنای «گردآوردن» و «ترکیب کردن» ذکر می‌کند که هم در مورد اندیشه‌ها و افکار و هم در خصوص پدیده‌های عینی و خارجی به کار گرفته می‌شود.

به نظر دوسوسور نظام، کل سازمان یافته‌ای است مرکب از عناصری متعدد که آنها تنها در رابطه با یکدیگر و بر حسب مکانی که در این کل دارند تعریف می‌شوند.[۲]

و به گفتهٔ چارلز وست چرچمن در کتاب «نظریهٔ سیستمها»، «نظام در تئوری عمومی سیستمها (نظامها) به مجموعه‌ای از اجزای وابسته به هم گفته می‌شود که در راه نیل به هدفهای معین با هم هماهنگی دارند.»[۳]

به این ترتیب ملاحظه می‌گردد نظام، مجموعه‌ای از عناصر مرتبط به هم می‌باشد و بین اجزای آن ارتباط وجود دارد و در تحقق نتیجه یا ثمره یا خصلت مشترکی با هم هماهنگی و سازگاری دارند. در نظامهای اجتماعی از ثمره یا خصلت مشترک می‌توان به عنوان «هدف» نام برد. بنابراین هر نظام ترکیبی است از: اجزاء (مبانی)، روابط و اهداف .

عصار لیندبک (Lindbeck) با تأکید بر ماهیت چند بعدی یک سیستم یا نظام اقتصادی می‌نویسد: یک نظام اقتصادی مجموعه‌ای از سازوکارها و نهادهایی است که جهت اتخاذ تصمیم و به‌کارگیری آن در تصمیمهای مربوط به تولید، درآمد و مصرف در محدودهٔ جغرافیایی خاص به کار گرفته می‌شود.[۴]

در تعاریف جدید به مجموعه‌ای از ویژگیها که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رفتار یا نتایج و محصولات اقتصادی تأثیر دارند اشاره می‌شود. در این راستا پل گر گری و رابرت استوارت (Gregory & Stuart) با توجه به چند بعدی بودن نظام اقتصادی آن را تابعی از ویژگیهای زیر می‌دانند:[۵]

$$ES = f(A_1, A_2, \ldots A_n) \qquad (1)$$

۱ـ آلن بیرو، **فرهنگ علوم اجتماعی**، ص ۴۱۸ .

۲ـ ر.ک: دانیل دوران، **نظریهٔ سیستمها**، ص ص ۲۰ـ۱۴.

۳ـ چارلز وست چرچمن، **نظریهٔ سیستمها**، ص ۲۶ .

4- See Assar Lindbeck," The Political Economy of the New Left", p. 214.

5- P. R.Gregory and R. C.Stuart, "Comparative Economic Systems", p. 16.

www.SID.ir

Archive of SID

یعنی نظام اقتصادی (ES) با ویژگیها و خصوصیات و عوامل مؤثر(A_i) مشخص می‌شود. وی با فرض n = 4 مشخصه‌های زیر را برای نظام اقتصادی ذکر می‌کند:

۱ـ سازماندهی تصمیم‌گیری اقتصادی

۲ـ سازوکار تهیه اطلاعات و هماهنگی : بازار و برنامه‌ریزی

۳ـ حقوق مالکیت: کنترل و درآمد

۴ـ سازوکارهای تعیین اهداف و تحریک افراد به فعالیت: انگیزه‌ها

هر نظام اقتصادی یک جنبهٔ نظری و یک جنبهٔ عملی دارد. نظام اقتصادی از جنبهٔ نظری الگو و سیستم منسجمی است که بر اساس اصول ، آرمانها و اهداف مکتب طراحی می‌گردد و این سیستم هماهنگ نظری راهکارها و تدابیر لازم را در چارچوب مکتب اقتصادی برای تحقق اهداف آن مکتب ارائه می‌کند. این مهم از طریق نهادسازی و نهادینه کردن برخی باورها، عقاید و ایدئولوژیها و روابط اقتصادی در جامعه و به کارگیری شیوه‌ها و روشهای فنی معین و سازماندهی ویژه صورت عملی به خود می‌گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی نیز در مقطع فعلی از تاریخ تکامل نظریه‌های اقتصاد اسلامی به دنبال معرفی الگوی نظری مناسبی جهت تغییر حرکت رفتارهای اقتصادی جامعه در جهت الگوی مطلوب اسلامی (مکتب اقتصادی اسلامی) هستند. بدیهی است این الگو در چارچوب شریعت اسلامی قابل طرح است و چارچوب نهادی یا هستهٔ سخت نظریه‌های آن تماماً بر اساس جهت‌گیریهای کلی و گرایشهای اکثری مکتب اقتصادی اسلامی شکل می‌گیرد.

۳ـ نقش و جایگاه «اموال» و ثروتها از دیدگاه اسلامی

همچنان‌که موضوع علم اقتصاد بررسی و مطالعه «ثروت» از جنبه تولید، توزیع و مصرف آن است، در اقتصاد اسلامی نیز تمرکز اصلی مباحث اقتصادی بر روی نحوه تملک و توزیع اموال و ثروتهای طبیعی، تولید محصول و توزیع درآمد حاصله بر اساس محوریت حق و عدل است.

www.SID.ir

Archive of SID

در اصطلاح حقوقی «مال» به چیزی گفته می‌شود که قابل استفاده وتملک بوده[۱] و از نظر اقتصادی ارزش مبادله‌ای داشته[۲] و قابل تقویم به پول باشد[۳] و حاکی نباشد.[۴] ارزش مبادله‌ای نیز خود تابعی از میزان رغبت و میل اجتماعی است.[۵]

بنابراین ثروت یا مال هر آن چیزی است که دارای ارزش مستقیم یا غیر مستقیم مبادلاتی بوده و منفعت عقلایی و فایده داشته باشد و سبب پیدایش میل و تقاضای مردم شود و یکی از حوایج طبیعی یا اعتباری، ضروری یا تجملی بشر را برآورد.[۶]

جایگاه و ویژگی اموال در نگرش اقتصاد اسلامی متأثر از جهان بینی الهی و نظام تشریعی اسلامی است. بر اساس جهان‌بینی اسلامی، خداوند خالق و رب تمامی آفریده‌هاست و امور عالم را تدبیر می‌کند و چون خالق انسانهاست حق دارد که در تمام امور بندگانش دخالت کند و حق قانونگذاری و تعیین حکم بندگانش را دارد و مالکیت آسمانها و زمین برای اوست و لذا تمامی مالکیتهای انسان اعم از حقیقی و اعتباری در ظل مالکیت خداوند است. بر این اساس، اموال در دیدگاه اسلامی از اصول و ویژگیهای زیر پیروی می‌کند:

اول ـ اموال متعلق به خداست

براساس نگرش اسلامی رابطه انسان باموال به صورت تصرف در اموال الهی ونعمتهای اوست ولذا رابطهٔ او با اموال مستقل نیست بلکه به صورت امضایی و در حد موازین تعیین شده است. در قرآن و روایات لفظ «مال‌الله» به کار رفته است. در آیهٔ ۳۱ سورهٔ نور از عبارت «و آتوهم من مال الله الذی آتاکم» (و از مال خدا که به شما داده به آنان بدهید.) و در روایت أبان بن تغلب از امام صادق(ع) عبارت «المال

۱ـ مصطفی عدل، **حقوق مدنی**، ص ۲۶.

۲ـ سید حسن امامی، **حقوق مدنی**، ص ۱۹.

۳ـ دکتر جعفر لنگرودی، **ترمینولوژی حقوق**، ص ۵۹۵.

۴ـ دکتر جعفر لنگرودی، **حقوق اموال**، ص ۴۲.

۵ـ شهید صدر، **اقتصادنا**، ص ۱۹۸.

۶ـ برای مطالعه بیشتر ر.ک : **مکاسب**، ج ۱، ص ص۱۷۹ـ۱۷۸؛ محمود عبداللهی، **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**، ص ص ۷۰ـ۶۲.

www.SID.ir

Archive of SID

مال الله»[۱] (مال مال خداست) به کار گرفته شده است.

دوم ـ اموال ودیعه‌ای و عاریتی هستند

انسان خلیفةالله است است (بقره ـ ۳۰) و این خلافت و جانشینی مسئولیتی بزرگ و الهی است، بدین جهت انسان به عنوان جانشین و خلیفه خدا در روی زمین عمل کرده و در مواهب و نعمتهای الهی تصرف می‌کند و لازم است بر اساس آنچه سفارش شده است در این امانت تصرف کرده و از آن بهره ببرد و این امر زمانی تحقق می‌یابد که این اموال بر اساس استحقاق و عدل در بین مردم جریان یابد.[۲]

سوم ـ اموال مایهٔ قوام و استواری جوامع است

خداوند اموال را مایهٔ قوام و پایداری جامعه قرار داده است.

«ولاتؤتوا السفهاء أموالکم التی جعل الله لکم قیاماً» (نساء ـ ۵)

(یعنی اموالتان را که خداوند سبب قوام (برپایی و استواری) زندگی شما قرار داده است به دست کم‌خردان (و ناواردان) ندهید...)

«قوام» و «قیام» از یک ریشه‌اند و دارای یک محتوا و به معنای «مایقوم به الشیء» می‌باشند و بر آنچه مایهٔ ایستادگی و سبب پایداری و استواری و سامان یابی است دلالت دارند. روشن است که هر چیز آن‌گاه می‌تواند عامل «قوام» باشد و زمینهٔ استواری چیز دیگری را فراهم آورد که در موضع مناسب خود قرار گیرد. موضع مناسب، رسیدن به آثار مفید هر چیز را ممکن می‌سازد، زیرا تنها در این صورت مطابق قانون عدل و عدالت است، قانونی که بر تمام کاینات و نظام تکوین حاکم است. عدل، جای گرفتن هر چیز در موضع مناسب و در وضع بایسته آن است.[۳]

علامهٔ طباطبائی در ذیل آیهٔ فوق می‌فرماید:

۱ـ **تفسیر عیاشی**، ج ۲، ص ۱۳.

۲ـ در این زمینه به این احادیث می‌توان استناد کرد: «وأنفقوا مما جعلکم مستخلفین فیه...»(حدید ـ ۷) (از آنچه شما را در آن وارث گذشتگان گردانید در راه خدا انفاق کنید). امام علی(ع): «المال عاریه» (یعنی مال عاریه و امانت است). امام صادق(ع): «المال مال الله جعله و دائع عند خلقه» (مال از آن خداست و خداوند آن را به عنوان امانت و ودیعه در اختیار بندگانش قرار داده است.) رک. **الحیاة**، ج ۳، ص ص ۸۹-۸۷.

۳ـ رک. محمد حکیمی، **معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی**، ص ص ۸۹-۸۸.

www.SID.ir

Archive of SID

«آنچه از این آیه برمی‌آید حقیقتی است قرآنی که اصل بسیاری از احکام و مقررات مهم اسلام به شمار می‌رود و آن این است که ثروتهای جهان ملک حقیقی خداوند است که آنها را وسیله قوام و روزی جامعهٔ انسانی قرار داده است بدون اینکه به افراد معینی اختصاص دهد... اصل ثابتی که در همه حال باید به آن توجه داشت و قوانین فرعی از آن استنباط می‌شود، این است که ثروتهای جامعه متعلق به همهٔ افراد است ... بر این اصل اصیل در اسلام، فروع مهم و فراوانی مانند احکام انفاق و غالب احکام معاملات و نظایر آن مترتب می‌شود.»[۱]

۴ـ محوریت عدالت در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد

برای بررسی نقش محوری عدالت در الگوی اسلامی توزیع ثروت و درآمد، شایسته است ضمن تشریح و تبیین مراحل مختلف شکل‌گیری و توزیع ثروت و درآمد، قواعد تطبیقی و تعاریف عملیاتی عدالت اقتصادی را در هر یک از این مراحل مشخص سازیم. به همین منظور ابتدا لازم می‌آید با تکیه بر نظریات متعارف و تعالیم اسلامی قواعدی برای ارزیابی عادلانه بودن عملکرد یک نظام اقتصادی استخراج کنیم.

۱ـ۴ـ قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی

بر اساس آنچه در تبیین مفهوم عدالت اقتصادی (بند ۳ـ۲) گفته شد مهمترین بخش عدالت اقتصادی عدالت توزیعی است و به همین جهت همچنان که موریس سیلور (M.Silver) در کتاب «مبانی عدالت اقتصادی» خود متذکر می‌شود:

مسئله عدالت اقتصادی یا توزیعی مسئله استخراج قاعده‌ای است برای توزیع موارد خواستنی (چیزهای مطلوب) میان افراد جامعه.[۲]

قواعد و نظریه‌های عدالت اقتصادی را به طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱ـ محمدحسین طباطبائی، **المیزان**، ج ۴، ص ۱۷۱.

2- Morris Silver, "Foundations of Economic Justice", p. 133.

www.SID.ir

Archive of SID

الف ـ قواعد ابزار محور (Means - Oriented Rules) [۱]

در این دیدگاهها بیش از همه به ویژگی برابری همگانی در برابر قانون و فراهم گردیدن امکانات و فرصتهای برابر برای همه و برخورداری یکسان افراد از مزیتها و نامزیتها تکیه می‌گردد.

ب ـ قواعد فرایند محور (Process Oriented Rules) [۲]

در این بررسیها توجه عمده به روشی است که افراد برای سلطه به اموال به کار گرفته‌اند و معیار عدالت به کارگیری این قاعده است که محصول کار و فعالیت هرکس به خودش تعلق گیرد و افراد برای فعالیتهای اقتصادی از آزادی برابر برخوردار باشند.

ج ـ قواعد نتیجه محور و غایت گرا (End (Goal) Oriented Rules) [۳]

برخی دیگر از نظریه پردازان عدالت در بررسی مسئله عدالت بیش از همه به بررسی نتایج حاصله و سهم بری افراد پرداخته‌اند و معیارهایی نظیر برابری درآمدهای قابل تصرف، برابری مطلوبیتهای درآمدی یا توازن نسبی درآمدها را به عنوان شاخصهای سنجش عدالت اقتصادی در جامعه بر شمرده‌اند.

هنگامی که قاعده عدالت بر اساس ترجیحات افراد پی‌گیری می‌شود قاعده عدالت درون‌زا است و اگر بر اساس ترجیحات و سلایق دولت حاکم باشد برون‌زا است.[۴]

بر اساس نظرات متفکران اسلامی و نظریه پردازان عدالت در اندیشه‌های غربی می‌توان قواعد زیر را استنتاج نمود:

1- Serge christophe, Kolm, "Modern theories of Justice", pp: 66-67 .

2- A, Schotter, "Free Market Economics: A critical Appraisal", p. 89 .

3- A, Schotter, "Free Market Economics: A critical Appraisal", p. 89 .

4- M. Silver, Op. cit, p. 133 .

www.SID.ir

Archive of SID

قاعدهٔ ۱ـ سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرایند تولید

به نظر موریس سیلور هر گونه بحث از عدالت اقتصادی مستلزم استناد آن به تعریف حقوق مالکیت (Property rights) است که در آن احساس (و ادعای) مالکیت فرد نقش برجسته‌ای دارد. حال چنانچه فرد به طور قانونی و مشروع چنین ادعایی را بکند متعلق حق او مشخص است اما اگر از اموال عمومی ادعایی داشته باشد متعلق حق او مبهم است.

تحلیل حقوقی مالکیت مبنایی را برای این قاعده فراهم ساخته است که:

«توزیع سلطه بر اشیای تولید شده میان افراد جامعه چنانچه با حقوق مالکیت مناسبت داشته باشد عادلانه است.»[۱]

از این قاعده به عنوان دیدگاه فرایند کامل آزادی (Full Process Freedom) نیز یاد شده است که بر اساس آن محصول تولید شده به تولید کننده تعلق می‌گیرد. هر کس سزاوار ظرفیت خود است که به وسیله طبیعت برای او فراهم شده است و طبیعت یک ظرفیت آن است که به خود فرد تعلق گیرد.[۲]

در دیدگاه اسلامی نیز از این اصل حمایت شده است که:

«محصول تلاش هر کس بایستی به خودش برگردد.»[۳]

مرحوم علامه محمد تقی جعفری﴿ره﴾ با استناد به آیهٔ «ولاتبخسواالناس أشیائهم ولاتعثوا فی الارض مفسدین»[۴] (و اشیای مردم را بی ارزش نکنید و در روی زمین فساد نکنید) می‌فرماید: «کار و تلاش مفید و ارزشهایی را که به وسیلهٔ یک فرد یا گروه به‌وجود آمده فقط و فقط باید به حساب خود به‌وجود آورنده یا به‌وجودآورندگان آنها منظور شود و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود.»[۵]

فارابی از این اصل به عنوان عدل طبیعی یاد کرده و فرموده است: «عدل طبیعی

1- Ibid, p. 134 .

2- S.C.kolm, Op. cit, pp: 54-55.

۳ـ سخنرانی آیة‌ا.. منتظری در تاریخ ۵۸/۳/۲۲؛ به نقل از رهنمودهای اقتصادی آیة‌ا.. منتظری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بهمن ۱۳۶۳ .

۴ـ سورهٔ هود آیهٔ ۸۵ (و همین‌طور آیهٔ ۸۵ سورهٔ اعراف و آیهٔ ۱۸۵ سورهٔ شعرا به همین جنبه اشاره دارند که بی‌ارزش کردن کار مردم فساد در روی زمین رابه دنبال دارد.)

۵ـ رک. محمد تقی جعفری، **کار و ثروت در اسلام**، ص ۱۲۱ .

www.SID.ir

Archive of SID

آن است که هر کس به اندازهٔ مقدار کاری که انجام داده است مزد بگیرد.» وی نه تنها عدل طبیعی را در مورد کالا صادق دانسته بلکه در مورد خدمت نیز آن را مطرح ساخته است. به همین جهت اگر کسی برای کسب دانش، کار و تلاش بیشتری انجام دهد عدل طبیعی اقتضا می‌کند که درآمد بیشتری نسبت به کسی که دانش کمتری دارد دریافت کند.[۱]

مرحوم شهید مطهری﴿ره﴾ در این زمینه فرموده است:

«تکالیف و رنج و زحمتی که به مردم تحمیل می‌شود باید متناسب با حق و بهرهٔ آنها باشد نه اینکه یکی مکلف باشد و یکی حق و بهره را ببرد «من له الغنم علیه الغرم» (یعنی هر کسی که بهره و استفاده چیزی متعلق به اوست خسارت و مخارج آن چیز هم با اوست.)[۲]

و در جای دیگر فرموده است: «انسان به مقدار کاری که روی شیء صورت داده مالک آن است.»[۳]

تذکر این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که اگر چه مشابهت ظاهری بین دیدگاههای اقتصاد اسلامی و اقتصاد آزاد مشاهده می‌گردد اما نگرش اقتصاد اسلامی به ابعاد دیگر عدالت اقتصادی به طور همزمان توجه دارد که در قسمتهای بعدی مقاله روشن می‌گردد. با این همه تأکید بر این نکته لازم است که هر گونه عایدی حاصل از عملکرد بازار آزاد، مورد تأیید دیدگاه اسلامی نیست، بلکه عملکرد بازاری که شرایط و موازین اسلامی در آن حاکم است عادلانه تلقی می‌گردد و به همین جهت است که بر اساس روایات زیادی که در زمینه عملکرد بازار اسلامی وارد شده است چنانچه قیمتهای بازار در شرایط طبیعی و عادی متعادل شوند هر گونه دخالت حکومت اسلامی در مورد تعیین قیمت کالاها ممنوع اعلام گردیده است.[۴]

۱ـ فارابی، **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**، ص ص ۳۳۰ـ۳۲۹.

۲ـ رک. شهید مرتضی مطهری، **بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی**، ص ص ۱۵۷ـ۱۵۶.

۳ـ **همان مأخذ**، ص ۱۸۸.

۴ـ پیامبر اکرم(ص) در جواب عده‌ای از اصحاب که از ایشان تقاضای قیمت گذاری کرده بودند، فرمودند: همانا نرخ کالا با خداست، هر گاه بخواهد بالا می‌برد و هنگامی که اراده فرماید پایین می‌آورد.» (**وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۳۱۷؛ و در بیان امام علی(ع) منظور از شرایط طبیعی قیمتهایی است که برای خریدار و فروشنده اجحاف آمیز نباشد. (**نهج البلاغه**، نامه ۵۵، ص ۱۰۷).

www.SID.ir

Archive of SID

قاعدهٔ ۲ـ حق برخورداری برابر (برابری همگان در برخورداری از منابع و ثروتهای عمومی و مشترک (Means - Egalitarianism)

اغلب نظریه پردازان با تعابیر مختلف از این قاعده طرفداری کرده‌اند.

به بیان کلم (Kolm) از آنجا که ماهیت عمومی عدالت برابری برخی ابزارهاست که در پی خود عملیات آزادانه در مبادله یا در روابط فیما بین را به دنبال دارد، تحلیل عدالت (اقتصادی) از یک حالت عمومی عمل آزادانه، و رابطهٔ متقابل یا تبادلی که از یک وضعیت برابری شروع می‌شود ادامه می‌یابد.[۱]

رالز از «اصل برابری منصفانه فرصتها» و «سهم برابر افراد در استفاده از کالاهای اولیه (Primary Goods)» طرفداری می‌کند. به نظر او کالاهای اولیه خواستنی عبارت‌اند از: حقوق، آزادیها، فرصتها، درآمد، ثروت و شرافت نفس.[۲]

فارابی نیز یکی از اقسام عدالت را تقسیم عادلانه خیرات و منافع عمومی در میان اهل مدینه دانسته است:

«قسمةالخیرات المشترکه التی لاهل المدینه علی جمیعهم»[۳] (تقسیم خیرات و خوبیهایی که میان اهل مدینه مشترک است (و متعلق به همه می‌باشد) میان همه آنها) به نظر او خیرات مشترک در جامعه مدنی عبارت اند از: «امنیت، سلامت، کرامت، حرمت، آبرو و سایر خیراتی که می‌توان در آنها شریک شد.»

مرحوم شهید مطهری نیز معتقد است: اسلام عدالت را به معنی ایجاد امکانات مساوی قانونی و اجرای قانون به طور مساوی می‌پذیرد.[۴]

مرحوم علامه طباطبائی نیز در تفسیر شریف المیزان فصلی را به این اصل اختصاص داده‌اند که «همهٔ ثروتها برای همهٔ مردم است.»[۵]

قاعدهٔ ۳ـ توازن نسبی درآمدها و ثروتها در جامعه

عدالت اقتصادی به این معنا قاعده‌ای نتیجه محور است. در دیدگاه اسلامی

1- S. C. Kolm, Op. Cit, P. 209.

2- C &. J.Rawls, "A Theory of Justice", pp: 62,150,202 .

۳ـ فارابی، **فصول‌المدنی**، ص ۱۴۴ .

۴ـ شهید مطهری، **همان مأخذ**، ص ۱۶۲ .

۵ـ علامه طباطبائی، **تفسیر المیزان** (متن عربی)، ج ۴، ص ۱۷۱ .

www.SID.ir

Archive of SID

برخلاف برخی دیدگاههای سوسیالیستی از برابرسازی درآمدها میان افراد جامعه طرفداری نشده بلکه از متوازن ساختن سطح زندگی و معیشت و بی نیاز کردن فقرا حمایت شده است.

شهید محمد باقر صدر﴿ره﴾ به این معنا از عدالت اشاره کرده و آن را یکی از سه رکن اقتصاد اسلامی شناخته است که بر دو اصل:

الف) تکافل اجتماعی،

ب) توازن اجتماعی مبتنی است.

وی در توضیح اصل توازن اجتماعی هر چند بر تفاوت و اختلاف افراد و اثر آن در سهم‌بری از محصول که بر اساس قاعده «کار مبنای مالکیت» حاصل شده است توجه دارد در عین حال توازن افراد جامعه را از حیث سطح زندگی و نه از حیث درآمد مورد تاکید قرار می‌دهد. به تعریف او منظور از سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند متناسب با مقتضیات روز از مزایای یک زندگی برخوردار شوند. به عبارت دیگر، سطح زندگی مشابهی برای تمام اعضای جامعه فراهم شود. وی تأکید می‌کند: البته در داخل سطح مزبور درجات مختلفی وجود خواهد داشت.[۱]

البته چنین توضیحی کافی و واضح نیست بلکه بهتر است چنین گفته شود که مهم در اقتصاد اسلامی آن است که «توازن اقتصادی» در جامعه برقرار شود به این معنا که ثروت در دست ثروتمندان جامعه به گردش در نیاید و ثانیاً، وضعیت افراد فقیر آن‌چنان بهبود یابد که آنان نیز مشابه افراد متوسط الحال قدرت خرید به دست آورند و از امکانات جامعه برخوردار شوند.

اسلام از تعدیل ثروت و درآمد پشتیبانی کرده است. این مهم از طریق ممنوعیت تکاثر اموال «.. کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم»[۲] (تا اموال در میان ثروتمندان دست به دست نشود) و ثروتهای اندوخته (جمع و تراکم ساختن و راکد کردن مواد معیشت و پول و هر موضوع مؤثر در حیات انسانها)[۳] و تحریم أکل مال به باطل «لا

۱ـ رک. **اقتصادنا**، ج ۲، ص ص ۳۳۱ـ۳۲۹.

۲ـ سورهٔ حشر، آیه ۷.

۳ـ رک. علامه محمدتقی جعفری، **همان مأخذ**، ص ص ۱۰۸ـ۹۰

www.SID.ir

Archive of SID

تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل...»[۱] (اموال خود را در میان خود با اسباب و جریانات باطل مخورید) و تعیین حقوق مالی واجب از قبیل زکات، خمس و... و تشویق انفاق جنبهٔ عملی می‌یابد. در روایات اسلامی در تعیین حد زکات از عبارات: «حتی تغنیه»[۲] (تا حدی که اوراغنی و بی نیاز کنی) و «حتی یلحقهم بالناس»[۳] (تا اینکه زندگی او به حد دیگران برسد) استفاده[۴] شده است.

این دیدگاه به بیان دیگری در کتاب «نظریهٔ عدالت» جان رالز مطرح گردیده است. وی در تعیین قاعده برای عدالت بعد از تاکید بر اصل اولیه برخورداری یکسان افراد از آزادیهای اساسی، معتقد است نابرابریهای اجتماعی تنها در صورتی قابل توجیه هستند که:

اولاً) بیشترین مزیت را به نفع محرومترین قشرهای جامعه حاصل کنند؛

ثانیاً) پیوستن به مناصب و موقعیتهای قابل دسترسی برای همه تحت شرایط برابری منصفانه فراهم آید. به این ترتیب، وی معیار حداکثر سازی رفاه برای پایینترین قشر مردم را معیار عدالت معرفی می‌کند.[۵]

به بیان ریاضی چنانچه رفاه جامعه (W) را تابعی از مطلوبیت افراد از کالاهای X_i بدانیم‌از دیدگاه رالز مسئله عدالت، عبارت است از حداکثر سازی رفاه پایینترین قشر مردم، یعنی:

$$\text{Maximin } (U_1 , \dots , U_n) \qquad (۲)$$

به بیان دیگر، اگر تابع رفاه W را به صورت تابع جمع پذیر (Additive) زیر تعریف کنیم:

$$W = \delta_1 U_1 + \delta_2 U_2 + \dots + \delta_n U_n \qquad (۳)$$

در این تابع چنانچه رفاه فرد i ام یک واحد افزایش یابد، رفاه جامعه به اندازه δ i افزایش می‌یابد. به همین جهت δ_iها به عنوان وزنهای اجتماعی (Social Weights)

۱ـ سورهٔ نساء، آیه ۲۹.

۲ـ **وسائل الشیعه**، ج ۶، ص ۱۸۰

۳ـ **وسائل الشیعه**، ج ۶، ص ۱۵۹ .

۴ـ برای مطالعه بیشتر منابع و مستندات رک: حسین عیوضلو. **نظریه عدالت اقتصادی در چارچوب شریعت اسلام**، ص ص ۱۷ـ۱۶ .

5- J. Rawls, op. cit, pp: 42, 45, 92 .

www.SID.ir

Archive of SID

مطرح می‌شوند.

در جامعه ایده‌ال رالز بالاترین δ از آن فردی است که کمترین مطلوبیت را از مصرف کالاها دارد و بقیه δ ها صفر می‌باشند.[1]

از دیدگاه اسلامی این معیار به عنوان اولویت جامعه مطرح است اما همچنان که اشاره شد اسلام در برابر میزان برخورداری افراد جامعه ساکت نیست و لذا برقراری توازن نسبی از لحاظ سطح درآمد و معیشت به عنوان هدف اصلی اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود. بر این اساس اگر در رابطه (۳) U_i ها را به عنوان مطلوبیت گروههای درآمدی و سطح معیشتی آنان معرفی کنیم می‌توان یک سطح معیشت δ K را به عنوان سطح معیشت متوسط جامعه مطرح ساخت. حال مسئله عدالت اقتصادی در اینجا از دیدگاه اسلامی به این صورت است که به ازای $\delta_i > \delta_k$ ، δ_i ها به سمت δ_k کاهش می‌یابند و به ازای هر $\delta_i < \delta_k$ ، δ_i ها به سمت δ_k گرایش می‌یابند.

البته از آنجا که رابطهٔ ۳ به صورت جمع‌پذیر تعریف شده است، این اشکال به این تفسیر وارد است که به انتقالات اختیاری درآمد میان افراد جامعه توجه ندارد و در حد دخالت دولت در تعدیل درآمدهای جامعه قابل توجیه است.

بنابراین با فرض اینکه مطلوبیت مسلمین تحت تأثیر مطلوبیت سایر افراد جامعه قرار می‌گیرد، رابطهٔ (۳) را می‌توان به صورت زیر نوشت و آن را به عنوان تعریفی از تابع رفاه اجتماعی در جامعهٔ اسلامی مطرح ساخت:

$$W = \delta_1 U_1 + \delta_2 U_2 + \delta_i U_i + ... + \delta_j U_j + \delta_n U_n + \sum_{i=1}^{n} \sum_{j=1}^{m} \delta_i \delta_j U_i U_j \quad (۴)$$

جملهٔ آخر رابطهٔ (۴) بیانگر این نکته است که اگر در چارچوب تعالیم اسلامی انتقال درآمدی از فرد i به فرد j صورت پذیرد (مثلاً به صورت انفاق) نه تنها رفاه جامعه کاهش نمی‌یابد بلکه به جهت مثبت بودن $U_i U_j$ و بر اساس ضریب اهمیت این انتقال برای جامعه که در ضریب $\delta_i \delta_j$ منعکس می‌گردد در مجموع رفاه جامعه افزایش می‌یابد.

گروه دیگری از اقتصاددانان بویژه طرفداران دولت رفاه نیز بیش از همه به

1- Harvey S.Rosen, "Public Finance", p. 156.

www.SID.ir

Archive of SID

ملاحظه نیازها و تخفیف و تسکین دردها و آلام فقرا تاکید کرده‌اند.[۱]

قاعدهٔ ۴ـ قرارگرفتن اموال در موضع قولمی آن

معنای مطلق عدالت همچنان‌که اشاره شد قرار گرفتن هر چیز در موضع بایسته و شایستهٔ آن است به همین جهت نظریه پردازان عدالت معمولاً در تعیین قواعد عدالت اجتماعی و اقتصادی وضع بایستهٔ اجتماع و اقتصاد را به عنوان معیار عدالت دانسته‌اند. تعیین وضع بایسته اقتصاد امری است که کاملاً وابسته به مکتب اقتصادی است. به همین جهت بر حسب تفاوت مکاتب اقتصادی تبیین و قاعده‌مند ساختن عدالت در اقتصاد تعابیر مختلفی می‌یابد. در همین زمینه می‌توان در مکاتب مشهور اقتصادی به قواعد زیر اشاره شده است:

الف ـ عدالت به معنای حداکثر مطلوبیت برای جامعه (Utilitarian Justice)

این دیدگاه که بر اساس نظرات فردگرایانهٔ بنتام (Jermy Bentham) و جان استوارت میل (John Stuart Mill) استوار است و مبنای اقتصاد رفاه پارتویی را تشکیل می‌دهد، قاعدهٔ زیر را به عنوان قاعده عدالت اقتصادی توجیه می‌کند: «توزیع چیزها (اموال و داراییها) در میان مجموعهٔ مشخصی از افراد بایستی حداکثر کنندهٔ مطلوبیت یا رضایت اجتماعی باشد.» بر اساس این قاعده با فرض قابل اندازه‌گیری بودن مطلوبیت افراد، عدالت اقتصادی مستلزم آن است که مطلوبیت نهایی درآمد برای تمام افراد یکسان باشد.[۲]

ب ـ عدالت به معنای حداکثرسازی ثروت (Wealth Maximization Justice)

ریچار پاسنر نیز این قاعده را مطرح ساخته است.

«توزیع اموال میان افراد جامعه چنانچه ثروت کل را افزایش دهد عادلانه است.» عدالت در نظر پاسنر مستلزم آن است که اموال و اشیا به نحوی به افراد تخصیص

1- Cf.S.C. Kolm, op. cit, p. 15 .

2- M. Silver, op. cit, p. 135 .

www.SID.ir

Archive of SID

داده شوند که بالاترین ارزش را بر حسب تقاضای مؤثر ایجاد کنند.[۱]

ج ـ عدالت به معنای انصاف یا وضعیت خالی از حسادت (Fairness or Envy Free Justice)

به نظر برخی از اقتصاددانان نظیر بامول (Baumol) و واریان (Varian) «توزیع اموال میان اعضای جامعه چنانچه خالی از حسادت و رشک باشد منصفانه یا عادلانه است .» به این معنا که هیچ فردی ترجیح ندهد که سبد اشیای افراد دیگر مال خودش باشد.[۲]

د ـ عدالت به معنای تخصیص خالی از سرزنش (Blame - Free Allocation)

اسکاتلر (Schoteler) در تبیین قاعدهٔ عدالت بیش از همه به احساسات مردم اهمیت می‌دهد. به نظر او «توزیع چیزی میان افراد جامعه عادلانه است چنانچه هیچ‌کس نتواند دیگری را به‌خاطر اعمالی که او در توزیع انجام می‌دهد سرزنش کند» وی توضیح می‌دهد: راه مستقیم برای ارزیابی رفتار یک شخص این است که خودت را به جای او بگذاری و سؤال کنی «آیا تو می‌توانی تحت این شرایط مثل او عمل کنی؟» اگر همه افراد جوابشان مثبت بود که می‌توانند مثل او عمل کنند در این صورت آن توزیع از لحاظ اقتصادی عادلانه است».[۳]

هـ ـ عدالت به معنای قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آنها

هر یک از معیارهای فوق به نحوی قابل طرح و بررسی در اقتصاد اسلامی می‌باشند. هر چند دایره کاربرد آنها می‌تواند بسیار محدود باشد. اما آنچه در تعالیم اسلامی بیش از همه به آن اشاره شده این جنبه از ویژگی اموال است که «اموال باید مایهٔ قوام و استواری جوامع باشند». این ویژگی در بیان ویژگی سوم اموال در همین مقاله مطرح شده است.

اقتضای هر نظام اقتصادی به عنوان ترکیبی از عناصر مرتبط به هم که هدف

1- Richard A. Posner, "The Economics of Justice", pp. 60-62.

2- M. Silver, Op. cit, pp: 151-154 .

3- Ibid., o.92.

www.SID.ir

Archive of SID

مشترکی را دنبال می‌کنند این است که هر یک از این عناصر دارای وحدت ترکیبی بوده و به طور هماهنگ و منسجم و متناسب با هدف نظام مستقر شوند. در این حالت بهترین ترکیب ممکن از لحاظ ثمردهی و تداوم رشد برای آن نظام همان موضع قوام یا کارایی است به نحوی که خروج از این وضعیت موجب ایجاد ضرر به برخی از افراد جامعه و پیدایش نارضایتی اجتماعی از تخصصهای انجام یافته و عدم تحقق مصلحت کلی جامعه می‌گردد. در وضعیت قوام افزایش رضایت یا مطلوبیت برای یک فرد (یا بخشی از جامعه) جز به قیمت کاهش رضایت یا مطلوبیت فرد دیگر (یا بخش دیگری از جامعه) میسر نیست. تشخیص و تعیین مقدار لازم از هر یک از اجزاء و عناصر در یک نظام برای ایجاد موضع قوام، موضوعی کارشناسی و تخصصی است و در هر مورد باید از نظرات متخصصان آن زمینه استفاده شود.

تعبیر فوق از موقعیت و جایگاه بایسته عناصر و اجزای نظام اقتصادی و روابط آنهابا معنای «توازن و تناسب» از عدالت یا «وضعیت بایسته» نظام اقتصادی مطابقت دارد چنین تفسیری از عدالت اقتصادی کیفیت به کارگیری منابع و امکانات در جامعه و رضایت عمومی را مورد توجه قرار می‌دهد. البته از آنجا که در نظام اقتصادی اسلامی توزیع منابع عمومی بر عهده دولت اسلامی است، این بحث اهمیت بیشتری می‌یابد و بر اساس آن می‌توان معیار زیر را برای ارزیابی عادلانه بودن عملکرد دولت اسلامی و نهادهای مرتبط با آن مطرح ساخت:

در وضعیت قوام اقتصادی جامعه:

۱ـ به کارگیری منابع در موضع قوامی آن و جهت ایجاد حداکثر باز دهی و عایدی است.

۲ـ تخصیصها و برخورداریها خالی از سرزنش می‌باشند، به نحوی که عرف مسلمین تخصیصها و برخورداریهای موجود در آن جامعه را عادلانه تلقی می‌کنند.

معیار اول خمیر مایهٔ بقای اقتصاد و شرط اقتصاد سالم است و معیار دوم مایهٔ اصل تداوم حیات طیبه و پایدار در اجتماع است و موجب بقای تمدن و اجتماع می‌گردد (العدل حیاة).

دقت و تأمل در برخی آیات از جمله آیه ۵ سورهٔ نساء (و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

www.SID.ir

Archive of SID

التی جعل الله لکم قیاماً) و آیه ۶۷ سوره فرقان (... و کان بین ذلك قواماً) و آیهٔ ۲۹ سورهٔ نساء (.. الا ان تکون تجارة عن تراض منکم...) و روایاتی نظیر (والقوام الوسط)،[۱] (... جوز لکم أن یاکلوا قصدا...)[۲]، (و لا تحرفه عن مواضعه و لا تصرفه عن حقائقه)[۳]، (و استصلح کل نعمة انعمها الله علیك...)[۴] و... معیارهای یاد شده را تأیید می‌کنند.

۲ـ۴ـ بحث تطبیقی: سازگاری کامل نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد با قواعد عدالت اقتصادی

براساس مفاهیم، قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی که در قسمتهای قبل اشاره شد، حال وقت آن رسیده است که با در نظر گرفتن محدودیتهای مقالهٔ حاضر و اجتناب از تفصیل، با بیان ویژگیها و قواعد اساسی نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد فرضیه اشاره شده در اول مقاله را اثبات کنیم:

۱ـ۲ـ۴ـ بیان اجمالی نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد

منظور نگارنده از نظام (الگوی نظری) اسلامی توزیع ثروت و درآمد، مجموعهٔ منسجمی از قواعد و نظریه‌های اساسی است که در چارچوب شریعت اسلام، نحوهٔ سازماندهی تصمیم‌گیری اقتصادی، ساز و کارهای تهیه اطلاعات و هماهنگی، حقوق مالکیت و سازوکارهای تعیین اهداف و تحریک افراد به فعالیت اقتصادی (انگیزه‌ها) را تبیین و تشریح نمایند.[۵]

نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد به عنوان یک زیر سیستم از نظام اقتصادی

۱ـ روایت از امام صادق(ع) است که موضع قوام را همان «حد وسط» تعریف کرده‌اند. (رک: **الفقیه**، ج ۲، روایت ۱۷۲۱).

۲ـ روایتی طولانی از امام صادق(ع) که نحوهٔ مصرف و بهره برداری از مال را تشریح فرموده‌اند (رک: **تفسیر عیاشی**، ج ۲، ص ۱۳؛ **الحیاة**، ج ۳، ص ۹۷).

۳ـ روایت از امام سجاد(ع) است که فرموده‌اند: «باید (مال را) را از موضعش منحرف نکنی و از واقعیت ماهوی آن دور نسازی» (رک: **تحف العقول**، ص ۱۹۱؛ **الحیاة**، ج ۳، ص ۱۷۸)

۴ـ روایت از امام علی(ع) که فرموده‌اند: «هر نعمتی که خداوند به تو داده است به صلاح آور و هیچ نعمتی از نعمتهای خداوند را که به تو داده است ضایع مگردان» (رک: **نهج البلاغه**، فیض الاسلام، ۶۹، ۱۰۶۷)

۵ـ به رابطهٔ (۱) و توضیحات مربوط به آن مراجعه شود.

www.SID.ir

Archive of SID

اسلامی از سه رکن اصلی اجزاء (مبانی)، روابط (قواعد) و اهداف تشکیل گردیده است. از لحاظ نظری از آنجا که مسلمانان و دولت اسلامی سعی لازم را برای تطبیق رفتار خود با دستورات و قواعد شریعت اسلام به کار می‌بندند، هر یک از ارکان سه گانه یاد شده صبغهٔ مکتبی دارند و نظریه‌پرداز اقتصادی (اسلامی) نظریه‌های خود را بر اساس ویژگیهای یک جامعهٔ اسلامی تنظیم می‌نماید. باید توجه داشت که واقعیت نظامهای اقتصادی همواره با الگوی ایده‌آل (نظری) تطبیق ندارد اما فایدهٔ الگوی ایده‌آل آن است که فعالیتهای اقتصادی مطلوب، بر پایهٔ حرکت تکاملی و رو به توسعهٔ نظام واقعی به سمت نظام مطلوب مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرند.

نظریه‌های اساسی الگو را می‌توان بر اساس تقسیم‌بندی مرحوم شهید صدر[۱]، دکتر صادق[۲] (Sadeq)، ظهورالاسلام[۳] (Zohurul, Islam)، عکاس[۴] (Akkas) و مباحث کلاسیک اقتصاد مرسوم به سه قسمت عمده تقسیم کرد:

۱ـ نظریهٔ توزیع قبل از تولید

۲ـ نظریهٔ توزیع کارکردی

۳ـ نظریهٔ توزیع مجدد

بحث اصلی در نظریهٔ توزیع قبل از تولید نحوهٔ تملک ثروتها و منابع طبیعی است که از دیدگاه اسلامی به چهار طریق مالکیت امام (دولت اسلامی) بر انفال؛ مالکیت عموم مسلمین بر ثروتهایی که اولاً ملک کسی نیستند، و ثانیاً به مسلمین اختصاص دارند (مانند اراضی مفتوح العنوة و اراضی صلحی)؛ مالکیت عمومی (همگانی) بر خیرات و منافعی از طبیعت (از قبیل مباحات اصلی: آب، آتش، مرتع) که خداوند استفاده و بهره‌برداری از آنها را برای عموم قرار داده است تا هر کس به قدر نیازش از آنها استفاده کند، و بر منافع مشترک (از قبیل جاده‌ها، خیابانها و...) ؛ و مالکیت

۱ـ ر.ک شهید محمدباقر صدر، **اقتصادنا**، ص ص ۵۴۴ـ۴۹۷.

2- Abul Hasan M. Sadeq, "Factor pricing and Income Distribution from an Islamic perspective", pp: 45-54.

3- M. Zohurul, Islam, "An Islamic Approach to Distribution of Income Among the participating factors in the Framework of Islam", pp: 64-75.

4- Ali Akkas, "Size Distribution of Income and Wealth in an Islamic Economic Framework", pp:68-76.

www.SID.ir

Archive of SID

خصوصی از طریق احیای اراضی تحت شمول مالکیت دولت اسلامی و حیازت مباحات؛ صورت می‌پذیرد.[۱]

در نظریهٔ توزیع کارکردی، نحوهٔ سهم‌بری عوامل تولید از نتایج فعالیت اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این بخش برخی قواعد اسلامی برای تعیین سهم عوامل بر اساس حق و عدل قابل استنتاج است. در مجموع سهم‌بری عوامل تولید بر پایهٔ میزان کار و مشارکت آنها در تولید تعیین می‌گردد.

در نظریهٔ توزیع مجدد بر اساس دستورات اسلامی دربارهٔ وظایف اجتماعی ـ اقتصادی مسلمین و کارگزاران دولت اسلامی از طریق ابزارهایی نظیر[۲] ارث، زکات، خمس، انفاقات، اوقاف عام و مالیاتهای حکومتی، انتقال اختیاری یا اجباری (حق معلوم) درآمد یا ثروت با هدف برقراری تکافل اجتماعی و توازن اقتصادی صورت می‌پذیرد.

۲ـ۲ـ۴ـ اصول حاکم بر فعالیت اقتصادی مسلمین از لحاظ تملک، تولید و توزیع ثروت و درآمد

با توجه به مباحث قسمتهای پیشین اصول یا فروض رفتاری زیر را می‌توان به عنوان چارچوب نهادی الگوی نظری توزیع اسلامی ثروت و درآمد در تحلیل قواعد و روابط رفتاری به کار گرفت:

۱ـ اموال مال خداست و تصرف انسانها در اموال جنبهٔ تصرف در امانت دارد و لذا تصرف آنان در چارچوب حقوق مشخصی انجام می‌یابد. از این لحاظ این اموال را می‌توان به عنوان کالاهای مشترک[۳] (Common Goods) ذکر کرد.

۲ـ کلیهٔ انتقالات مالی و مبادلات بر پایهٔ حق و انصاف و رضایت حقیقی طرفین

۱ـ خواننده می‌تواند به کتابهای متداول در اقتصاد اسلامی از جمله: **درآمدی بر اقتصاد اسلامی**، انتشارات سمت، ۱۳۷۱؛ «جعفر خوشنویس، خطوط اصلی اقتصاد در قرآن و روایات، کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین(ع)»؛ «محمدعلی تسخیری، **درسهایی از اقتصاد اسلامی**، ترجمه مسلم صاحبی و محسن عابدی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸» مراجعه کند.

2- M. Sadeq, "Distribution of wealth in Islamic Framework", pp: 19-23.

3- T. R. Rourke and Clark E. C., "The common Good and Economic Justice: Reflections on the thought of Yves R.Simon", pp: 231-252.

www.SID.ir

Archive of SID

صورت می‌پذیرد و فعالیت اقتصادی از راههای باطل (غیر حق) ممنوع است. از این اصل به عنوان «اصل حرمت أکل مال به باطل» نام برده می‌شود.[۱]

۳ـ اموال و ثروتهای طبیعی به اندازه آفریده شده‌اند و لذا تصرف و بهره‌برداری بیش از اندازه یک فرد یا گروه موجب عدم کفایت آن برای افراد یا گروههای دیگر جامعه می‌گردد، خداوند در این باره در آیهٔ ۲۱ سورهٔ فجر فرموده است: «و إن من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم» (و بدان هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانهٔ آن نزد ماست ولی ما از آن بر عالم خلق جز به قدر معینی که مصلحت است نمی‌فرستیم).

۴ـ استفاده از اموال بایستی در جهت استفاده در موضع قوام آنها باشد. از این نظر مقام امامت (ولایت فقیه) یا دولت اسلامی که تصدی و ولایت امر انفال را برعهده دارد[۲] وظیفه دارد بهترین استفادهٔ ممکن را از این منابع و اموال عمومی در جهت منافع جامعه داشته باشد.

۵ـ مسلمانان در جامعهٔ اسلامی مورد بحث به جهت اعتقاد به نقش ربوبی خداوند، سعی و تلاش لازم را برای تطبیق رفتار خود با دستورات و قواعد اسلامی به کار می‌گیرند.

۶ـ در اسلام کار به عنوان وظیفهٔ اجتماعی تلقی شده است و این‌گونه نیست که صرفاً برای تأمین معاش فرد تلقی گردد.[۳]

۷ـ برای انجام وظیفهٔ تکافل اجتماعی، مسلمانان نسبت به یکدیگر احساس همدردی و عاطفه دارند. به تعبیر اقتصادی سطح مطلوبیت و رضایتمندی آنان تحت تأثیر سایر افراد جامعه بویژه سطح مطلوبیت افراد فقیر قرار می‌گیرد.

۱ـ مستند این اصل، آیهٔ ۲۹ سورهٔ نساء «ولاتأکلوااموالکم بینکم بالباطل الا أن تکون تجاة عن تراض منکم» می‌باشد.

۲ـ امام خمینی(قدس سره) در کتاب **البیع**، ج ۳، ص ص ۱۶ـ۱۴ بر خلاف نظریهٔ شهید صدر اموال و منابع تحت اختیار مقام امامت را تحت عنوان مالکیت امام مسلمین قرار نمی‌دهد بلکه ولایت امر آنها را بر عهدهٔ امام یا ولی فقیه می‌داند.

۳ـ مرحوم شهید مطهری می‌فرماید: «(اسلام) کار را وظیفهٔ واجب همه می‌داند نه تنها وظیفهٔ فقرا»، رک: **بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی**، ص ۱۵۷.

www.SID.ir

Archive of SID

۳ـ۲ـ۴ـ نظریه‌ها و قواعد رفتاری

در این قسمت سعی نگارنده بر این است که بر اساس قواعد فقهی و نظرات اقتصاددانان به منظور بیان ویژگیهای عادلانهٔ الگوی نظری نظام توزیع اسلامی برخی قواعد رفتاری را استخراج نماید و با قواعد متعارف عدالت اقتصادی که اشاره شد تطبیق دهد. بدیهی است این قواعد جنبهٔ نظری دارد به این معنا که قابل نقد و خدشه است و موجبات رشد و تکامل نظریه‌های اقتصاد اسلامی را فراهم می‌سازد:

قاعدهٔ اول: بهره‌برداری از منابع طبیعی و خدادادی بر اساس حقوق مالکیت پذیرفته شدهٔ جامعهٔ اسلامی صورت می‌پذیرد.

همچنان که در توضیح اجمالی نظریهٔ قبل از تولید اشاره شد از دیدگاه اسلامی چهار نوع مالکیت وجود دارد. همه افراد جامعه به طور بالقوه در اموال همگانی و انفال حق برابر دارند و امام یا دولت اسلامی وظیفه دارد از حق عموم در این منابع پاسداری نماید. تذکر این نکته لازم است که اگر چه انفال مالکیت امام و مباحات عامه در مالکیت همگانی تقسیم بندی می‌گردد با این همه، همان‌طوری که در اصل چهار اشاره شد مقام امامت، بر انفال حق ولایت ـ و نه مالکیت ـ دارد و لذا منافع آن به عموم تعلق دارد.

قاعدهٔ دوم: بهره‌برداری و استخراج از منابع باید در حدی باشد که موجبات قوام و پایداری جامعه را فراهم سازد.

بهره‌برداری و تخصیص منبع در موضع قوام آن به بیان اقتصادی به این معنی است که از آن منبع به صورت کارا و بهینه استفاده شود، یعنی در بهترین استفادهٔ ممکن به کار گرفته شود. تشخیص بهترین استفاده، عرفی است و لذا می‌توان از نظرات اقتصاددانان منابع در این زمینه بهره گرفت. در اقتصاد منابع شرط استخراج منبع در بازار رقابت کامل با فرض اینکه با هزینهٔ نهایی Ct در زمان صفر تا T انجام یابد به این صورت است که ارزش حال سود نهایی در تمام دوره‌ها بایستی با قیمت سایه‌ای منبع (Z_0) برابر باشد. یعنی:

$$P_0-C_0 = \frac{P_1-c_1}{1+r} = \frac{P_2-c_2}{(1+r)} = \ldots = \frac{P_t-C_t}{(1+r)} = \ldots = \frac{P_T-C_T}{(1+r)} = Z_0 \qquad (۸)$$

www.SID.ir

Archive of SID

در رابطهٔ (۸) P_t قیمت بازاری منبع در زمان t بوده و ارزش سودهای نهایی ($P_t - c_t$) در هر دوره به وسیلهٔ عامل تنزیل[۱] (r) به ارزش حال تبدیل می‌گردد.[۲] البته تذکر این مطلب ضروری است که رابطه (۸) زمانی با اقتصاد اسلامی قابل تطبیق است که شرایط بازار با بازار اسلامی مطابقت داشته باشد.

قاعدهٔ سوم: با تجویز مقام امامت (یا ولایت فقیه) در حکومت اسلامی با شرایط خاص، افراد می‌توانند در اراضی تحت شمول مالکیت دولت اسلامی تصرف نمایند.

نظارت و مدیریت بهره‌برداری از منابع و ثروتهای طبیعی از جمله احیای موات با امام و حاکم اسلامی (ولی فقیه در زمان حاضر) است و لذا تصرف در آنها مستلزم کسب موافقت مقام امامت است. البته در این زمینه اصل بر این است که امامان ما اجازهٔ کلی عمران و آبادانی زمین موات را به عموم مردم داده‌اند. در روایات زیادی از عبارت «من أحیی أرضا مواتاً فهی له»[۳] استفاده شده است. برخی دیگر از روایات[۴] اشاره بر این دارند که بهره‌بردار زمین موات، بایستی در قبال بهره‌برداری از آن مالیات بر زمین (طسق) بپردازد. تا زمانی که اثر کار فرد احیا کننده بر روی زمین باقی است وی به آن زمین از دیگری اولی و سزاوارتر است و به همین جهت کار مفید بر روی زمین موات موجب ایجاد حق مالکیت و تصرف مالکانه می‌گردد.

حق تصرف و بهره‌برداری از این منابع به صورت مالکیت یا اولویت در بهره‌برداری بر اساس شرایط سه گانه زیر تحقق می‌یابد:

شرط ۱: در طبیعت تنها کار مفید می‌تواند موجب علقهٔ مالکیت و یا مایهٔ تعلق حق گردد.

کار مفید از دیدگاه اسلامی کاری است که به امر تولید کمک کند و یا جریان

۱ـ در اصطلاح اقتصاددانان منابع عامل تنزیل (r) برابر نرخ بهرهٔ بازار است. اما با حذف نرخ بهره در الگوهای اسلامی می‌توان متغیر دیگری نظیر نرخ متوسط بازدهی سرمایه در پروژه‌های مشابه را به عنوان جایگزین عامل تنزیل مطرح نمود.

۲ـ برای مطالعه بیشتر رک: دکتر مجید احمدیان، **نظریهٔ بازار و کاربرد آن برای منابع انرژی پایان‌پذیر**، فصل اول.

۳ـ این روایت از پیامبر گرامی اسلام است که از قول امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده است. (**وسائل الشیعه**، ج ۱۷، ص ۳۲۷، احیاءالموات)

۴ـ برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک **درآمدی به اقتصاد اسلامی**، ص ص ۱۴۱-۱۲۹.

www.SID.ir

Archive of SID

توزیع را به نحوی قرار دهد که در جهت رفع نیازهای واقعی جامعه باشد و در رشد فردی و اجتماعی مؤثر باشد.[۱]

شرط ۲ : باید صورت تازه در طبیعت ایجاد کند.

در بهره‌برداری از زمین آباد طبیعی، فرد فقط مالک محصول کار خویش است چون زمین را او آباد نکرده است، اما در بهره‌برداری از زمین موات احیا کننده زمین، مالک رقبهٔ زمین می‌گردد.

شرط ۳: محدودیت امکان بهره‌برداری

استفاده از منبع طبیعی زمانی به یک فرد اختصاص می‌یابد که امکان بهره‌برداری همزمان برای دیگران وجود نداشته باشد لذا بر عکس مورد احیای زمین موات، در مورد استخراج آب چشمه برای احیا کننده آن، حکم بر این است که وی باید به اندازهٔ نیاز خود از آن بهره‌برداری کند و نمی‌تواند دیگران را از استفادهٔ آن منع نماید.[۲]

با توجه به شرایط یاد شده فرمول کلی زیر را می‌توان نوشت:

(۵)(محدودیت امکان بهره‌برداری، ایجاد صورت تازه در طبیعت، کاراقتصادی مفید) F = حق تصرف و بهره‌برداری فردی

قاعدهٔ چهارم: محصول تلاش هر فرد به خود او برمی‌گردد و هرگز نباید به حساب دیگران گذاشته شود.

این قاعده در ذیل قاعده اول عدالت اقتصادی تبیین گردیده است.

قاعدهٔ پنجم: در فرایند تولید و سهم بری عوامل مالک ماده اولیه مالک کل محصول است و مالک ابزار تولید فقط مستحق اجرت المثل است («اصل تبعیت نماء از اصل» یا «اصل ثبات مالکیت»). این قاعده را می‌توان از احکام روبنای زیر استخراج کرد:[۳]

۱ـ امام صادق(ع) در این زمینه فرمایش جالبی دارند که ترجمه آن چنین است: «هر آنچه که به آن دستور داده شده است و بدان وسیله غذای مردم فراهم شود و قوام زندگی آنان به آن بستگی داشته باشدو به غیر از آن نتوانند زندگی کنند (مانند خوراکیها، نوشیدنیها، پوشاک، تشکیل خانواده) و مالکیت و یا استفاده از منابع آنها برایشان صلاح باشد، خرید و فروش و نگهداری و استفاده و بخشش و امانت داری آن صحیح و حلال است (رک **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۵۵) .

۲ـ رک: احمد مطهری، **اقتصاد عمومی**، ص ۹۸ ؛ شهید صدر، **اقتصاد ما**، ص ص ۱۵۹ـ۱۴۶ .

۳ـ احکام فقهی قواعد چهارم و ششم بر اساس کتاب **اقتصادنا**، ص ص ۱۷۵ـ۱۶۰ تنظیم گردیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

الف ـ اگر کسی تور ماهیگیری خود را در اختیار شخص ماهیگیر بگذارد و در عوض توافق کنند که سهمی از آنچه صید شده را صاحب تور بردارد چنین تصمیمی نافذ نیست بلکه صاحب تور فقط اجرت تور را می‌گیرد و تمامی ماهیهای صید شده از آن ماهیگیر است.[۱] برخی از فقها علت این حکم را بطلان شرکت ابزار و کار می‌دانند.[۲]

ب ـ در تمام مواردی که به بطلان مزارعه حکم شده است صاحب زمین باید اجرت‌المثل (زارع) را بپردازد و چنانچه بذر از عامل باشد محصول نیز به او تعلق دارد اما اگر بذر از صاحب زمین باشد محصول نیز از آن اوست.[۳]

در تعیین سهم بری عوامل یا طرفین قرارداد «اصالت ثبات مالکیت» و همین‌طور «اصل تبعیت نماء از اصل» اهمیت و نقش اساسی را دارند به این معنا که هرگونه رشد و نموی در اصل مال به‌وجود آید از آن صاحب مال است. به همین جهت است که مالکیت بذر و نهال، مالکیت زراعت و درخت تولید شده از آن را به دنبال دارد و افزایش قیمت مبادلاتی کالا که بر اثر کار و ایجاد کیفیت و صورت جدید به‌وجود آمده است تابع مالکیت همان کالاست. این اصول در موارد ذیل کاربرد دارند:

الف ـ سهم بری مواد خام طبیعی از تولید

ب ـ مشارکت سرمایه یا دارایی مالی عامل در تولید بر اساس عقود مضاربه، شرکت، مساقات و مزارعه

ج ـ استمرار مالکیت فرد به ارزش افزوده ایجاد شده در کالا

د ـ عدم تعلق مازاد حاصله در مال قرض داده شده به قرض دهنده.[۴]

قاعدهٔ ششم: از طریق قراردادهای شرعی و بر اساس ترکیب کار و سرمایه و یا انواع دیگر شرکت می‌توان در محصول یا درآمد حاصل مشارکت نمود.

۱ـ علامه حلی، **قواعدالاحکام**، بحث وکالت، بخش چهارم.

۲ـ علت حرمت چنین شرکتی این است که شرکت ابزار و کار شرکت در سرمایه نیست، زیرا شرکت در سرمایه به این صورت است که مال مورد مشارکت به گونه‌ای مخلوط شود که ملک هر یک از طرفین تمیز داده نشود و چنین اختلاطی در این موارد وجود ندارد و یک نوع شرکت ابدان به شمار می‌رود که بر اساس مبنای فقهی قائلین به حکم اشاره شده باطل است.

۳ـ محمدحسن نجفی (محقق نجفی)، **جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ملحقات کتاب صید.

۴ـ رکن، **مبانی اقتصاد اسلامی**، ص ص ۲۸۲ـ۲۷۴.

www.SID.ir

Archive of SID

الف ـ اکثر فقها نظرشان بر این است که همچنان‌که اجاره ابزار تولید مثل دستگاه شخم‌زنی یا بافندگی جایز است، زمین را نیز می‌توان در مقابل پرداخت مبلغ معینی اجاره کرد و مورد استفاده تولیدی قرار داد. همچنین انسان می‌تواند برای دوختن لباس و رشتن پشم و فروش کتاب و یا خرید کالای تجاری شخصی را استخدام کند. چنین کسی پس از انجام کار مستحق دریافت اجرت است.[۱]

ب ـ اسلام پیمان مزارعه را به مثابه اسلوبی جهت انعقاد شرکت معین میان صاحب زمین و زارع تنظیم کرده است که به موجب آن زارع متعهد می‌شود زمین را کشت و محصول را به نسبت سهمی که از قبل معین شده میان خود و صاحب زمین قسمت نماید. به نظر شیخ طوسی شرط اساسی صحت مزارعه این است که صاحب زمین هم بذر بدهد و هم زمین را در اختیار زارع قراردهد.[۲]

ج ـ مضاربه پیمانی است قانونی، که بین «عامل» و «صاحب مال» منعقد می‌شود. به این ترتیب که عامل با مال التجاره صاحب مال به دادوستد می‌پردازد و در مقابل به نسبت درصدی از منافع با وی شریک می‌شود، اما اگر عملیات تجاری به ضرر منتهی شود تنها صاحب مال التجاره است که خسارت را متحمل می‌شود. دراین صورت ضرری که متوجه عامل می‌گردد همان تلاش و اقدامات بی نتیجه‌ای است که در جریان دادوستد متحمل گردیده است، اما اگر عقد باطل گردد، سود حاصل از فعالیت به صاحب مال تعلق می‌گیرد و عامل جز مطالبهٔ اجرت متناسب با کار خود ـ بجز در برخی شرایط حقی نخواهد داشت.[۳]

قاعدهٔ هفتم: قیمت کالاها و خدمات در بازار اسلامی بر اساس عملکرد متقابل نیروهای عرضه و تقاضا (کمیابی) و رعایت انصاف تعیین می‌گردد.

نهاد بازار در نظام اقتصاد اسلامی به اندازهٔ قدمت تمدن اسلامی سابقه دارد و شواهد تاریخی در مورد بازارهای اسلامی در شهرهای مسلمین حاکی از ویژگی رقابتی بودن آن دارد.[۴] (به حاشیه ۴۴ مراجعه شود.)

۱ـ شهید صدر، **اقتصادنا**، ص ۵۶۸.

۲ـ محمدبن حسن (شیخ طوسی)، **الخلاف فی الفقه**، ج ۱، ص ۷۰۵.

۳ـ محقق حلی، **شرایع الاسلام**، ج ۲، ص ۱۴۳ (چاپ جدید).

۴ـ برای مطالعه شواهد تاریخی و ساختار بازار در تمدن اسلامی، رک: ابوالفضل اکرمی، **بازار در تمدن اسلامی**، ص ۹۸-۶۷.

www.SID.ir

Archive of SID

قاعدهٔ هشتم: ویژگی یا معیار اسلامی بودن رفتار اقتصادی مسلمانان آن است که در جامعه وضعیت قسط برقرار باشد یعنی مردم از سطح معیشت نسبتاً یکسانی برخوردار باشند و شرایط حاکم بر اقتصاد به نحوی باشد که اگر کسی در حد طبیعی تلاش نماید از سطح زندگی متعارف برخوردار شود. در تحقق این وضعیت دولت اسلامی نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای دارد.

در تبیین قاعدهٔ سوم عدالت به این ویژگی اشاره شد، اما در اینجا این نکته اضافه می‌گردد که دولت اسلامی علاوه بر این که به عنوان واسطهٔ توزیع درآمد و ثروت با اعمال سیاستهای اقتصادی و نظارت بر اجرای موازین عادلانه نقش مؤثری در تعدیل ثروت و سطح برخورداری مردم و گروههای درآمدی دارد، تصدی منابع عمده ثروت جامعه اسلامی را نیز برعهده دارد و از محل درآمدهای حاصل از آنها نیز می‌تواند در جهت رفع فقر و ایجاد اقتصاد سالم و رو به رشد و حل بحرانهای اقتصادی سیاستگذاری نماید.

در مجموع همچنان که در قاعدهٔ سوم عدالت گفته شد در جامعه اسلامی توازن اقتصادی مهمترین معیار سنجش عادلانه بودن عملکرد اسلامی اقتصاد است به این معنا که اگر چه تفاوتهایی در سطوح درآمد و ثروت افراد جامعه وجود دارد اما در مجموع افراد جامعه از سطح معیشت و سطح مصرف متعادل و متقاربی برخوردارند. به بیان ریاضی چنانچه سطح درآمد افراد جامعه را با Y_i و سطح مصرف آنان را با C_i نشان دهیم، انحراف معیار سطوح مصرف افراد جامعه کمتر از انحراف معیار سطوح درآمد آنان است. یعنی :

$$\sigma_c < \sigma_y \qquad (۶)$$

به عنوان یک نمونهٔ موفق از اجرای الگوی توزیع اسلامی ثروت و درآمد می‌توان از دوران امامت امام علی(ع) یاد کرد که دربارهٔ شهر کوفه فرمود: «ما أصبح بالکوفة احد إلاناعماً، إن أدناهم منزلة لیأکل البُر و یجلس فی الظل و یشرب من ماء الفرات»[۱] (هیچ‌کس در کوفه نیست که زندگی او سامان نیافته باشد، پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و خانه دارند و از بهترین آب آشامیدنی استفاده می‌کنند). این

۱. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷.

www.SID.ir

Archive of SID

وضعیت در کوفه جنگ زدهٔ آن روز به معنی آن است که همه از رفاه نسبی برخوردار بودند و فقیری در آن یافت نمی‌شد.[۱]

۴ـ۲ـ۴ـ جمع بندی و نتیجه‌گیری

از میان نظریه‌ها و قواعد رفتاری که ذکر شد قواعد اول تا سوم ناظر به مرحلهٔ توزیع قبل از تولید، و قواعد چهارم تا هفتم دربارهٔ مرحلهٔ توزیع کارکردی و قاعده هشتم در خصوص مرحلهٔ توزیع مجدد است. همچنان که ملاحظه می‌گردد تمامی ویژگیها و قواعد چهارگانه عدالت اقتصادی که در قسمت ۱ـ۴ اشاره شد هر یک به نوعی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد قابل تطبیق و کاربرد است. قاعدهٔ اول عدالت اقتصادی (سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت درفرایند تولید) با قواعد سوم تا هفتم نظام اسلامی توزیع، قاعده دوم عدالت اقتصادی (حق برخورداری برابر) با قاعدهٔ اول، و قاعدهٔ سوم (توازن نسبی) با قاعدهٔ هشتم، و قاعده چهارم (قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن) با قواعد دوم و هفتم نظام اسلامی توزیع، سازگاری و مطابقت دارند. از طرف دیگر، به جهت جامعیت نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد هر سه جنبهٔ قواعد عدالت اقتصادی از لحاظ توجه به ابزارها و وسایل، فرایند، و نتیجه با این نظام قابل تطبیق است. به عبارت دیگر، عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع، هم وسیله و ابزار لازم را برای فعالیت اقتصادی فراهم می‌سازد و هم قاعده‌ای برای سهم‌بری محصول در فرایند تولید است و هم به عنوان هدف و معیار داوری برای ارزیابی عملکرد نظام اسلامی توزیع می‌باشد. علاوه بر این، عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع هم به صورت درون‌زا یعنی از طریق اعمال اختیاری و داوطلبانه مردم و هم به شکل برون‌زا از طریق مداخله و تأثیرگذاری دولت اسلامی بر اساس مصالح جامعه اسلامی نمود عینی می‌یابد.

به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، قابلیت تطبیق بیشتری با قواعد و معیارهای متعارف عدالت اقتصادی دارد. این در حالی است که سایر نظامهای توزیع اعم از سرمایه‌داری و سوسیالیستی به همه جوانب و

۱ـ ر.ک: محمدرضا حکیمی، **تعریف عدالت از زبان امام صادق(ع)**، ص ۷۲.

www.SID.ir

Archive of SID

ابعاد قواعد عدالت اقتصادی توجه نداشته‌اند و هر یک بر اساس مبانی فلسفی و جهان شناختی خاص خود به قسمتی از ماهیت و ابعاد عدالت اقتصادی پرداخته‌اند.

۵ـ اشاره‌های کاربردی

کاربردی ساختی نتیجه‌گیری فوق و عملیاتی نمودن قواعد یاد شده به عنوان مبنای قرارداد اجتماعی در نظام اقتصادی ایران، مستلزم تعیین معیارهای روشن و مشخص می‌باشد. این معیارها در صورتی که پذیرش عام یابند مبنای داوری و ارزیابی عموم برای میزان عادلانه بودن یا اسلامی بودن عملکرد نهادهای مختلف اقتصاد ایران و سیاستهای اقتصادی دولت خواهند بود. برای مثال چنانچه بر اساس نتیجه‌گیری از مبانی اقتصاد اسلامی ثبات سطح عمومی قیمتها و ارزش پول و تقارب گروههای درآمدی به عنوان شاخصه‌های عدالت اقتصادی در اقتصاد ایران تعریف شوند، در این صورت استمرار افزایش نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران از طرف دولت که به کاهش ارزش پول در اقتصاد ایران می‌انجامد و به صورت مالیات پنهان آثار توزیعی غیر عادلانه‌ای برای افراد مختلف جامعه دارد و با عدالت مالیاتی مغایر است قابل توجیه نخواهد بود.

این بحث در زمینه‌های مختلف قابل گسترش است و جا دارد نظریه پردازان اقتصاد اسلامی ابعاد گوناگون آن را برای نقد و بررسی بیشتر مطرح سازند.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱ـ احمدیان، مجید. **نظریه بازار وکاربرد آن برای منابع پایان‌پذیر**. مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۷۳.

۲ـ اکرمی، ابوالفضل. بازار در تمدن اسلامی، **فصلنامهٔ پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)**، سال اول، شماره سوم، بهار، ۱۳۷۵.

۳ـ الامام الخمینی، السید روح اله. **البیع**. ج ۳، مؤسسه مطبوعاتی اسماعلیان. قم: ۱۳۶۸ه.

۴- الحکمی، محمد رضا، محمد و علی. **الحیاة**. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. الطبعة الاولی، ۱۳۶۸.

۵ـ الراغب الاصفهانی. **معجم مفردات الفاظ القرآن المکتبه المرتضویه**، ۱۳۹۲ ه.

۶ـ الصدر، محمد باقر. **اقتصادنا**. دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ه ۱۹۹۱ م.

۷ـ الطبرسی، ابی علی الفضل بن الحسین. **مجمع البیان**. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران: ۱۳۶۷.

۸ـ الطریحی، فخرالدین. **مجمع البحرین**. تحقیق السید احمد الحسینی. نشر مکتبه المرتضویه، ۱۳۶۷.

۹ـ الطوسی، ابو جعفر محمد. **الخلاف**. مؤسسه النشر الاسلامی. الطبعة الاولی. قم: ۱۴۱۱ه.

۱۰ـ الطوسی، ابو جعفر محمد. **تهذیب الاحکام**. دارالاضواء. الطبعة الثانیة. بیروت: ۱۴۱۳ه.

۱۱ـ العاملی، محمد بن الحسن الحر. **الوسائل الشیعه**. دارالاحیاء التراث العربی. بیروت: ۱۹۵۲م.

۱۲ـ النجفی، محمد حسن. **جواهر الکلام**. دارالکتب الاسلامیة. ج ۲ و ۲۶. الطبعة الثانیة. تهران: ۱۳۶۵.

۱۳ـ انیس ابراهیم و ابراهیم المنتظر. **المعجم الوسیط**. الجزء الاول. الطبعة الثانیة. انتشارات ناصر خسرو: ۱۳۹۲ ه.

۱۴ـ بانوی ایرانی. **اخلاق و راه سعادت**. انتشارات کتابفروشی ثقفی. اصفهان: چاپ سوم.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۵ـ بیرو، آلن. **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.

۱۶ـ تسخیری، محمد علی. **درسهایی از اقتصاد اسلامی**. ترجمه مسلم صاحبی و محسن عابدی. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

۱۷ـ توتونچیان، ایرج. "مقایسه اجمالی بین هزینه فرصت سرمایه در سیستم‌های ربوی و غیرربوی". **مجله تحقیقات اقتصادی**. شماره ۴۰. پاییز ۱۳۶۷.

۱۸ـ توسلی، حسین. **مبانی نظری عدالت اجتماعی**. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۹ـ جعفری لنگرودی، جعفر. **دائرة المعارف علوم قضایی**. گنج دانش.

۲۰ـ جعفری، محمد تقی. **کار و ثروت در اسلام**. انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸.

۲۱ـ چرچمن، چارلز. **نظریه سیستمها**. ترجمه رشید اصلانی. چاپ دوم. نشر مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.

۲۲ـ حکیمی، محمد رضا. "تعریف عدالت از زبان امام صادق(ع)". در: **نقد و نظر**، سال سوم، شماره‌های دوم و سوم، ۱۳۷۶.

۲۳ـ حکیمی، محمد. **معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی**. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰

۲۴ـ خوشنویس، جعفر. **خطوط اصلی اقتصاد در قرآن و روایات**. کتابخانه عمومی امیر المؤمنین(ع).

۲۵ـ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. **درآمدی بر اقتصاد اسلامی**. انتشارات مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۳.

۲۶ـ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. **مبانی اقتصاد اسلامی**. سمت. چاپ اول، ۱۳۷۱.

۲۷ـ دوران، دانیل. **نظریه سیستمها**. ترجمه دکتر محمد یمنی. مجموعه: چه می‌دانیم؟ تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰

۲۸ـ طباطبایی، محمد حسین. **تفسیر المیزان**. ج ۴ و ۲۴. ترجمه سید محمد باقر همدانی. انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۱ ه.

۲۹ـ عبدالهی، محمود. **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**. دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم. ۱۳۷۵.

www.SID.ir

Archive of SID

۳۰ـ عیوضلو، حسین. "مفاهیم اقتصاد اسلامی، اقتصاد پایدار". **تازه‌های اقتصاد**، شمارهٔ ۷۹. مرداد ۱۳۷۸.

۳۱ـ غنی نژاد، موسی. "سراب عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک". **نامه فرهنگ**. سال سوم. شماره‌های دهم و یازدهم، تابستان ۱۳۷۲.

۳۲ـ **فارابی و اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**، ترجمه و تحشیه سید جعفر سجادی. چاپ دوم. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۱.

۳۳ـ مطهری، احمد. **اقتصاد عمومی**. انتشارات تک، ۱۳۷۰.

۳۴ـ مطهری، مرتضی. **بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی**. انتشارات حکمت، ۱۴۰۳ ه.

۳۵ـ مطهری، مرتضی. **عدل الهی**. انتشارات صدرا. چاپ دوم، ۱۳۵۲.

۳۶ـ منتظری، حسینعلی. **احتکار و قیمت‌گذاری**. ترجمه و تقریر آیة ا... محمد علی گیلانی. مؤسسه کیهان، ۱۳۶۴.

۳۷ـ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. **رهنمودهای اقتصادی آیةا... منتظری**. ۱۳۶۳.

38- Akkas, S.M. Ali. "Size Distribution of Income and Wealth in an Islamic Economic Framework", In: **Thoughts of Economics**, 1987, pp: 68-76.

39- Barry, Brian. **Theories of Justice**. Vol. 1, London, School of Economics and political Science, 1989

40- Gregory, Paul R. and Robert C. Stuart, **Comparative Economic Systems**, Houghton Millin Company, USA, 1992

41- Kolm, Serge Christophe. **Modern Theories of Justice**, The MIT press, 1996

42- Lindbeck, Assar, **The Political Economy of the New Left: An Outsider's View**, 2nd ed. New York, Harper & Row, 1977

43- Rawls, John. **A Theory of Justice**, Oxford University Press, 1986

44- Sadeq, Abul Hasan M. "Factor pricing and Income Distribution from an Islamic perspective" in: **Journal of Islamic Economics** , Vol. 2, No. 1, 1989,

www.SID.ir

Archive of SID

Jeddeh: King Abdulaziz University

45- Sadeq, Abul Hasan M. "Distribution of wealth in Islam", in: **Thougths on Islamic Economics**, Bengladesh, August 1980.

46- Schotler, Andrew. **Free Market Economics: A critical Appraisal**, New York 1985.

47- Seligman Edwin R. A. & Alvin Johnson, **Encyclopedia of the Social Sciences**, Volume 8, The Macmillan Company, New York, 1932.

48- Silver, Morris. **Foundations of Economic Justice**, Basil Black Well, 1989

49- Murnion, William, E. "The Ideology of Soicial Justice for all". In: **Journal of Business Ethics**, 8, 1989, PP: 847-857.

50- Zohurul, Islam. M, "An Islamic Approach to Distribution of Income among the Participating factors in the framework of Islam", In: **Thoughts on Islamic Economics**, Vol. 8, N. 3-4 (1987)

www.SID.ir